

# Clay vessel evaluation criteria

## معیارهای ارزیابی ظروف سفالی

**Clay skills:** The strength, balance, and surface finish of your clay vessel.

مهارت‌های سفالگری: استحکام، تعادل و پرداخت سطح ظرف سفالی شما.

**Quality of carving:** The complexity, quality, fullness, and craft of the patterns and line drawing on your vessel.

کیفیت حکاکی: پیچیدگی، کیفیت، کامل بودن و مهارت الگوها و خطوط روی ظرف شما.

**Daily clean-up habits:** Cleaning your table and floor so it is clean and has no streaks.

عادات نظافت روزانه: میز و کف خود را تمیز کنید تا تمیز و بدون رگه باشد.

## Vocabulary for the clay vessel

### واژگان مربوط به ظرف سفالی

apron	a piece of cloth that you wear to protect your clothes from getting dirty.	پیش‌بند
	تکه پارچه‌ای که برای جلوگیری از کثیف شدن لباس‌هایتان می‌پوشید.	
carving	scratching into clay to change its shape or to make a picture or pattern	کنده‌کاری
	خراشیدن روی گل برای تغییر شکل آن یا ایجاد تصویر یا الگو	
ceramic	a material that starts soft like clay, but then becomes very hard after it is cooked to a very high temperature	سرامیک
	ماده‌ای که در ابتدا مانند خاک رس نرم است، اما پس از پخته شدن در دمای بسیار بالا بسیار سخت می‌شود	
clay	a soft material used for making pots, bricks, and sculptures that becomes very hard when it is heated up.	خاک رس
	ماده‌ای نرم که برای ساخت کوزه، آجر و مجسمه استفاده می‌شود و وقتی گرم می‌شود بسیار سخت می‌شود.	
coil	a thin piece of clay that looks like a snake	کلاف
	یک تکه نازک گل رس که شبیه مار است	
earthenware	a kind of clay that is fired to a lower temperature and that needs to be glazed before becoming watertight	سفال
	نوعی خاک رس که در دمای پایین‌تری پخته می‌شود و قبل از ضد آب شدن باید لعاب داده شود	
foot	the bottom of a pot where it sits on a table	فوت
	کف قابلمه، جایی که قابلمه روی میز قرار می‌گیرد	
glaze	a material that you can paint onto ceramic that turns into glass when fired in a kiln	لعاب
	ماده‌ای که می‌توانید روی سرامیک نقاشی کنید و سرامیک پس از پخت در کوره به شیشه تبدیل می‌شود	
glazing	for clay: brushing on a paint-like layer to a pot that will later become a layer of glass; for painting: using very thin transparent layers of paint to change the colour	لعاب‌کاری
	برای سفال: کشیدن یک لایه رنگ‌مانند با قلم‌مو روی ظرفی که بعداً به لایه‌ای از شیشه تبدیل می‌شود؛ برای نقاشی: استفاده از لایه‌های بسیار نازک و شفاف رنگ برای تغییر رنگ	
handle	the part of something that is used to lift or carry it	دسته
	بخشی از چیزی که برای بلند کردن یا حمل آن استفاده می‌شود	
kiln	an oven used to heat up clay enough to become a hard ceramic	کوره
	اجاقی که برای گرم کردن خاک رس به اندازه‌ای که به سرامیک سخت تبدیل شود، استفاده می‌شود	
lid	the top of a pot that you can take off	درب
	قسمت بالای قابلمه که می‌توانید بردارید	

lip	the top edge of a pot	لبه بالایی قابلمه	لبه
paddling	hitting clay with wood to make it stronger, smoother, and a better shape	ضربه زدن به گل رس با چوب برای محکم‌تر، صاف‌تر کردن و شکل بهتر دادن به آن	پارو زدن
pattern	a drawing that repeats in a beautiful way	طرحی که به شکلی زیبا تکرار می‌شود	الگو
pinch	squeezing something between your thumb and finger	فشردن چیزی بین شست و انگشتان دیگر	نیشگون گرفتن
rib	a piece of silicone or wood used to smoothly shape some clay	تکه‌ای از سیلیکون یا چوب که برای شکل دادن نرم به گل رس استفاده می‌شود	دنده
score	carve Xs or parallel lines to help join clay together with slip	برای کمک به اتصال رس‌ها به یکدیگر با استفاده از چسب، علامت ضربدر یا خطوط موازی ایجاد کنید.	امتیاز
scraper	a piece of thin metal or plastic used to shave off thin pieces of clay	قطعه‌ای از فلز یا پلاستیک نازک که برای تراشیدن تکه‌های نازک خاک رس استفاده می‌شود	خراشنده
scribe	mark an even and straight line	یک خط صاف و مستقیم رسم کن	کاتب
shave	scrape bumps and fuzz from the surface of something	خراشیدن برآمدگی‌ها و پرزها از سطح چیزی	تراشیدن
slip	a liquid clay that you can use like glue to attach things together, or paint onto your clay to change its colour	یک خمیر مایع که می‌توانید مانند چسب از آن برای چسباندن چیزها به هم استفاده کنید، یا روی خمیر خود رنگ بکشید تا رنگ آن را تغییر دهید	لغزش
stretch	pulling something to make it longer	کشیدن چیزی برای بلندتر کردن آن	کشش
terracotta	an unglazed reddish-brown earthenware clay	نوعی خاک رس بدون لعاب به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز برای ساخت ظروف سفالی	سفالینه
transfer	to move or copy something	برای جابجایی یا کپی کردن چیزی	انتقال
trim	remove extra clay with a tool	خاک رس اضافی را با ابزار بردارید	مرتب کردن